

حجاب

www.ketab.ir

تألیف: ایوب فرضی

سرشناسه	: فرضی، ایوب، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور	: حجاب / تالیف ایوب فرضی.
مشخصات نشر	: زنجان: قلم مهر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۹-۹۰-۸ : ۰۰۰۰ غریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: حجاب
موضوع	: حجاب-- جنبه‌های مذهبی-- اسلام
موضوع	: حجاب-- جنبه‌های مذهبی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ف ۴ ح ۳ / ۱۷ / ۳ BP۲۳۰
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۱۹۷۰۳

۳۲



انتشارات قلم مهر

www.tabassom.org

عنوان کتاب: حجاب

نویسنده: ایوب فرضی

ناشر: انتشارات قلم مهر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۹-۹۰-۸

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

فهرست

۱	مقدمه
۲	پوشش در کشورهای مختلف
۲	پوشش در روم
۴	پوشش در چین
۷	پوشش در اروپا
۹	پوشش در ژاپن
۱۱	پوشش در مصر
۱۳	پوشش در هند
۱۵	پوشش در اعراب
۱۶	تجمل در لباس مسلمانان
۱۷	هدف از پوشش
۱۹	حجاب
۳۳	کشف حجاب در ایران
۲۶	تأثیر نگرش و جهان بینی بر نوع پوشاک
۲۸	لباس غربی و فرهنگ غربی
۳۱	لباس و حجاب اسلامی
۳۲	حجاب در آیات

حجاب در تفسیر المیزان :	۳۴
حجاب در تفسیر نمونه :	۴۰
حجاب در تفسیر نور :	۴۹
حجاب در تفسیر مجمع البیان	۵۳
حجاب در روایات	۶۱
نظرات علما در مورد حجاب	۶۶
مقاله ای در مورد حجاب	۷۷
تعاریف و اصطلاحات :	۸۰
علت پیدایش حجاب	۸۳
حجاب در فرهنگ ملل جهان :	۸۹
لباس ملی کشورها دلیل آشکار بر حجاب زنان :	۹۰
نظریه های مختلف در مورد حجاب :	۹۱
پوشش و حجاب در ادیان	۹۳
حجاب در اسلام :	۹۳
حجاب در ایران :	۹۴
عوامل بدحجابی :	۱۰۲
« حقوق زن »	۱۰۵
پیام حجاب زن مسلمان	۱۱۱
نتیجه :	۱۱۶
فهرست منابع و مآخذ :	۱۱۷
پاورقی ها	۱۲۱

مقدمه

ریشه‌ی بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابلا‌ی افکار و عقاید آنان باید جستجو کرد و از این نظر فوق العاده نیازمند است اگر مشکلی در راهنمایی این نسل باشد بیشتر در فهمیدن زبان و منطق او و روبه‌رو شدن با او با منطق و زبان خودش است و در این وقت است که هر کس احساس می‌کند این نسل برخلاف آنچه از ابتدا به نظر می‌رسد لجوج نیست آمادگی زیادی برای دریافت حقایق دینی دارد و لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه یکی از مسائل مهم اسلامی است در خودفران کریم درباره‌ی این مطلب تصریح شده است و در اصل مطلب از جنبه‌ی اسلامی نمی‌توان تردید کرد و پوشیدن زن خود را از مرد بیگانه یکی از مظاهر لزوم حریم میان مردان و زنان اجنبی است همچنانکه عدم جواز خلوت میان اجنبی و اجنبیه یکی دیگر از مظاهر آن است. و انسان در فرهنگ اسلامی موجودی است که معنویت کمال مطلوب و غایت و نهایت زندگی اوست و معنویت کمالی است که با مراقبت و تلاش و با دقت در به‌کارگیری و بهره‌وری به اندازه‌ی از همه‌ی مواهب جسمی و روحی برای انسان حاصل می‌شود در چنین فرهنگی

انسان منحصر در عالم حس نیست و تن او تمام وجودش محسوب نمی گردد. بلکه با اعتقاد به حقیقت متعالی و با باور به معاد حقیقت وجودی او یک امر متعالی است که تجلی آن حتی در نوع پوشاک هم مؤثر و دخیل است نباید گمان کرد که انواع پوشاکهای موجود در جهان فقط یک مسئله سلیقه ای و اعتباری است مسئله، مسئله ی دو فرهنگ و دو جهان بینی است که تفاوت آنها از زمین تا آسمان است و این تفاوت در همه امور اصلی مربوط به انسان و از جمله در لباس او جلوه گر می شود لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست پرچمی است که او بر سر در خانه ی وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ تبعیت می کند همچنانکه هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزشها و بینشها معتقد و دلبسته باشد و لباس متناسب با آن ارزشها و بینشها را از تن بدر نخواهد کرد.

پوشش در کشورهای مختلف

پوشش در روم

تمامی طبقات چه در خانه ها و چه در خارج خانه در این هنگام قبا یا پیراهن ساده در برمی کردند توگا فقط در موارد رسمی پوشیده

می شد. موکلان در مراسم پذیرایی و پاتریسینها درسنا یا در وقت تماشای ورزشهای رزمی آن را می پوشیدند. قیصر ردایی ارغوانی به نشانه ی مقام خود در برمی کرد و بسیاری از رجال از او تقلید کردند اما اندکی بعد لباس ارغوانی از لوازم خاص امپراطوران شد. از این شلوارهای مزاحم کسی در بر نمی کرد تکه ای که بسته نشود نبود و کسی جوراب ساقه بلند که پایین بیفتد برپا نمی کرد. اما در قرن دوم مردان رفته رفته ساق پا را با مچ پیچ می پوشاندند. یاپوش از کفش بی پاشنه و نعلین مانند چرم یا چوب پنبه ای شروع می شد که برجستگی آن میان شست و انگشت چهارم واقع می شد و به کفش پاشنه بلند تمام چرم یا چرم و پارچه می رسید که معمولاً با جبه بعنوان لباس کامل پوشیده می شد.

لباس زنان رومیان طوری بود که موجب می شد رفتار و اطوارشان لطفی گیرنده داشته باشد. زیرپوشهای ظریف به لباس های ساده ی زنانه مربوط به دوران قبل از هاینال، روم افزوده شده بود. شال روی شانه می افکندند و نقاب رازی دل انگیز به چهره می بخشید : زمستانها خزهای نرم اندامهای ثروتمند را نوازش می داد. ابریشم چنان عادی بود که مردان نیز مانند زنان می پوشیدند. ابریشم و پارچه های کنفی را با رنگهای گران ملون می ساختند.

لباس رومی از لباس زنان زمان ما چندان تجمل آمیزتر نبود و به هیچ روی طمطراق و گرانی به پای ملبوس خاوندان قرون وسطی نمی رسید. مد لباس در روم به سرعت شهرهای زمان ما تغییر نمی یافت یک لباس خوب را ممکن بود یک عمر پوشیده و باز هم از شکل نیفتاده باشد اما در مقایسه با موازین جمهوری پیش از آنکه لوکولوس و پومپوس غنایم و لذت پرستی را از شرق برای روم به ارمغان آوردند مردم طبقه ی بالای روم اکنون از حیث لباس ظریف، اغذیه ی متنوع اثاث، شکیل و خانه های مجلل در بهشت اپیکوری می زیستند. آریستوکراتها که از رهبری سیاسی و تقریباً از قدرت سیاسی افتاده بودند. از مجامع به کاخهای خود پناه بردند و بدون هیچ گونه اعتقادات اخلاقی جز فلسفه خود را به تجسس لذت و هنر زیستن سپردند.

پوشش در چین

معمولاً سر برهنه بودند اما گاهی کلاه به سر می گذاشتند. کلاه مردان در زمستان از مخمل یا پوست های لطیف بود و لبه برگشته یی داشت و در تابستان از حصیر ظریف و مخروطی شکل بود و در بالای خود منگوله یی رنگین و حاشیه یی ابریشمین داشت از این منگوله و حاشیه مقام و مرتبه شخص معلوم می شده زنان هرگاه مقدورشان بود نوارهای ابریشمین یا پنبه یی آراسته به پولک

یا جواهر مصنوعی یا گل مصنوعی به سر می بستند. کفش ها را معمولاً از پارچه های گرم می ساختند چون کف اتاق ها اغلب با کاشی یا خاک مفروش شده و سرد بود چینیان وقت راه رفتن زیر هر پای خود تکه فرش کوچکی می کشیدند. از زمان خاقان لی هو چو (حدود ۹۷۰ مسیحی) رسم شد که پای دختران را در هفت سالگی با نوارهای محکم به سختی ببندند تا رشد نکند و پس از بلوغ راه رفتن آنان در نظر مردان دلربا باشد. نگاه کردن به پای زن یا بحث درباره ی آن از ادب دور بود حتی ذکر کلمه کفش در حضور زنان پسندیده شمرده نمی شد، همه اقوام و طبقات چینی جز منچوها و تاتارها این رسم را محترم می داشتند و بقدری در این باره سختگیری می نمودند که اگر اندازه پای عروس یا آنچه خانواده اش اعلام داشته بودند مطابقت نمی کرد، پیوند زناشویی فسخ می شد. خاقان کانگ شی با این رسم در افتاد اما توفیقی نیافت. بالاخره انقلاب بزرگ آنرا از میان برد.

مردان نیم تنه و شلوار می پوشیدند و رنگ آن تقریباً همیشه آبی بود. در زمستان روی شلوار مچ پیچ می بستند و نیم تنه های اضافی به تن می کردند. تعداد نیم تنه ها گاهی به سیزده می رسید. در سراسر زمستان این پوشاک را شب و روز به تن داشتند و با نزدیک شدن فصل بهار نیم تنه ها را یک به یک از تن بیرون می کردند.

نیم تنه ها گاهی تا کفل و گاهی تا زانو بوده و گاهی هم قبایی می پوشیدند که تا پایین پا می رسید. این جامه ها با تکمه تا زیر گردن بسته می شد و بجای جیب آستین های فراخ داشت در چین نمی گریند کسی چیزی را به جیب زد بلکه می گویند به آستین زد. تقریباً هیچ کس پیراهن و زیر جامه نمی پوشید. زنان روستایی که در کار شریک مردان بودند مانند زنان شلوار به پا می کردند. ولی زنان شهری را زیر دامن زنانه از نظرها پنهان می ساختند در شهرها جامه ابریشمین مانند لباس پنبه یی فراوان بود. با سینه بند و پستانهای خود را حش نمی کردند و با کمر بند به کمر خود فشار نمی آوردند. به راستی جامه چینیان از پوشش اروپاییان کنونی به مراتب سالمتر و راحت تر و خردمندانه تر بود. مد پرستی بر زنان چین حکومت نمی کرد و زندگانی را دستخوش جور خویش نمی ساخت. جامه همه طبقات شهری یکسان بود و تقریباً در روزگار نسل های متمادی نیز دگرگون نشد. ممکن بود جنس جامه ها تفاوت کند ولی در هیات آنها اختلافی طهری نمی کرد. و همه مردم اطمینان داشتند که عمر مد لباسشان بدرازی عمر خود لباسشان می باشد.